

## بررسی چستی «رشوه» با رویکرد فقه و حقوق ایران و افغانستان\*

محمد جوادی (نویسنده مسئول)\*\*

محمد قربانزاده\*\*\*

### چکیده

معنای متفاوت و گاه متضاد واژه‌ها، ممکن است منشأ اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه گردد. شناخت دقیق موضوع تحقیقات علمی با قیود و حدودش، شرط اساسی استنباط صحیح است. معنای موضوع اگر به درستی روشن گردد و محدوده دلالت آن مشخص شود، کمک شایانی برای رسیدن به نتیجه مطلوب می‌کند. در متون و منابع فقهی، تعریف جامع و تفسیر دقیقی از واژه «رشوه» به عمل نیامده و حدود و ثغورش به درستی تبیین نگردیده است. فقها و اندیشوران اسلامی، برای تفسیر درست و تبیین صحیح این واژه، تعاریف گوناگون و مختلفی را ارائه کرده‌اند که هر یک از این تعاریف با ایراد و اشکالات متعددی مواجه هستند. تحقیق پیش‌رو که با هدف تبیین درست و دقیق چستی و ماهیت رشوه سامان یافته است، پس از گردآوری اطلاعات از منابع موجود در منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی، توصیفی به این نتیجه رسیده است که از کنارهم قرار دادن تعاریف فقها و مقایسه حقوق ایران و افغانستان، می‌توان معیار صحیح مفهوم «رشوه» را تبیین نموده و تعریف دقیق آن را استنباط کرد؛ بر این اساس، رشوه به لحاظ موضوع منحصر به قضاوت و حکم نبوده همان‌گونه که از نظر متعلق منحصر و محدود به اموال و افعال نمی‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** رشوه، قضاوت، موضوع رشوه، متعلق رشوه.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵- نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

\*\* دانشجوی دکتری قرآن و علوم جامعه المصطفی ﷺ العالمیه خراسان، مشهد مقدس، ایران (mjawadi641@gmail.com).

\*\*\* استادیار گروه قرآن و علوم جامعه المصطفی ﷺ العالمیه خراسان، مشهد مقدس، ایران (m\_ghorbanzadeh@miu.ac.ir).

## مقدمه

«رشوه» آثار نامطلوب فردی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی بسیاری دارد و از مصادیق آشکار ظلم و شاخص‌ترین نمونه‌های حرام‌خواری در نظام حکومتی محسوب می‌شود.

رشوه در جوامع متمدن امروزی در شکل‌ها و عنوان‌های جدیدی آشکار گشته و رسانه‌های جمعی از شیوع و گسترش آن به‌صورت پیشرفته و شبکه‌ای خبر می‌دهند. اگر روزگاری رشوه به عنوان یک گناه کوچک و اقدام مجرمانه محدود مطرح بود، امروز مفهوم وسیع و در برخی موارد ماهیت منظم و سازمان‌یافته به خود گرفته و به‌صورت پیمان‌ها و قراردادهای کلان و پیچیده انجام می‌شود. رشوه در طول تاریخ یک عمل زشت و غیر قانونی بوده (کرطانی، ۱۴۲۹: ۱۸؛ علی‌آبادی، ۱۳۴۵: ۵۸) و از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و شایع‌ترین بیماری‌های اداری در نظام حکومتی و مدیریتی جهان کنونی به شمار می‌رود، بدین جهت کنوانسیون‌های متعدد از سوی کشورهای جهان در زمینه مبارزه با رشا و ارتشا وضع گردیده است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۳۵۸) رشوه در عرف به عنوان یک امر ناپسند و در ادیان آسمانی (حنبل، ۱۴۱۴: ۱/ ۴۳۴) به ویژه اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. (طوسی، ۱۳۶۴: ۶/ ۳۶۸؛ صدوق، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۳۰؛ حرعاملی، ۱۳۸۳: ۹۴/۱۷)

عدم تعریف دقیق و جامع رشوه در متون و منابع دینی و روشن نبودن حدود و ثغور آن، موجب اختلاف آرا و تفاوت دیدگاه فقها در تعیین محدوده رشوه و مصادیق آن شده است (توحیدی، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۶۰)، از این رو شناخت و تعریف دقیق رشوه با قیود و حدودش - که شرط اساسی استنباط صحیح است - از اهمیت ویژه و جایگاه منیعی برخوردار بوده و ضرورت ناپذیر است. مفهوم و چیستی رشوه اگر به درستی تبیین و محدوده دلالت آن مشخص شود، کمک شایانی برای رسیدن به نتیجه مطلوب نموده و بخش مهمی از ابهامات و اشکالات مرتفع می‌گردد و بسیاری از اختلاف‌تعبیر و تفاوت آرا از بین می‌رود.





پرسش اساسی در این تحقیق این است که رشوه به لحاظ موضوع و متعلق منحصر به امور مالی و قضاوت قاضی است یا موارد دیگری را هم شامل می‌شود؟ پژوهش پیش‌رو جهت پاسخ به پرسش فوق، تلاش دارد ماهیت و چیستی رشوه (تعریف اصطلاحی) را از طریق کاوش در نظریات فقهی و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ایران، و ماده ۳۷۰ کد جزای افغانستان با روش تحلیلی، توصیفی، مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد تا از طریق طرح و طرد دیدگاه‌های مختلف و تحلیل و بررسی مواد قانونی مذکور، دامنه کاربرد و حدود و ثغور رشوه روشن گردد.

**پیشینه موضوع:** رشوه در جوامع و ملل مختلف پیش اسلام، جزو جرایم اداری بوده و پس از ظهور اسلام نیز ضمن احادیثی از سوی پیشوایان دینی، مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۱۲/۶۴؛ قمی، ۱۳۸۶: ۳/۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲/۲۷۴؛ کلینی، ۳۷۵: ۱۴۱/۵)

در زمان حضور پیشوایان معصوم علیهم‌السلام که مردم سؤال‌های‌شان را با مراجعه به آنان حل می‌کردند، نیاز چندانی به تألیفات گسترده‌ای در این زمینه احساس نمی‌شد، اما پس از آن دوران، علی‌رغم اهمیت و حساسیت موضوع، کارهای در خور توجهی در این زمینه، از سوی اندیشمندان صورت نپذیرفته است؛ تنها تا زمان مرحوم شیخ طوسی، بیان مطالب اندک و پراکنده در این باره مشاهده می‌شود و از کارهای عمیق و گسترده خبری نیست.

مرحوم شیخ طوسی برای اولین بار مطالبی را پیرامون رشوه مطرح نمود که کاملاً تازگی داشته و پیش از زمان ایشان مطرح نبوده است. (طوسی، ۱۳۵۱: ۸/۱۵۱) پس از ایشان نیز محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۹۸۱: ۴/۴۵)، مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷: ۱۲/۴۸) و محقق یزدی (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۶: ۶/۴۴۶) فروعاً و مطالب نسبتاً جدیدتری را درباره رشوه طرح نموده‌اند که در این بین، مرحوم صاحب جواهر بیشترین سهم را در بسط، تعمیق و گسترش مباحث رشوه دارد.



ایشان رشوه را از زوایای گوناگون و ابعاد مختلفی مورد نقد و ارزیابی قرار داده است؛ رشوه «گفتاری» و «رفتاری» برای نخستین بار از سوی وی طرح گردیده و جزو ابتکارات ایشان به شمار می‌رود. (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۳۳/۴) البته در این زمینه تحقیقات بسیاری، با رویکرد فقهی و حقوقی از سوی محققان و اندیشمندان تدوین گشته و هر کدام به نوبه خود، سخن نو و راهکار تازه‌ای دارد؛ با آن‌هم چیستی و ماهیت رشوه به خوبی تبیین نشده و حدود و ثغورش به درستی معین نشده است، لذا جا دارد که تحقیقات بنیادین و اساسی از زوایای مختلف و با رویکردهای متفاوت در زمینه ماهیت و چیستی رشوه انجام پذیرد، تا باشد که شاهد ریشه‌کن شدن این بلای خانمان‌سوز در جوامع بشری و به ویژه ممالک اسلامی باشیم.

## ۱. مفهوم رشوه

هر کلمه و واژه‌ای می‌تواند دارای مفاهیم و معانی متعددی باشد، از این رو توضیح و تبیین مفاهیم اساسی یک پژوهش از مهم‌ترین، مسئله آن تحقیق محسوب می‌شود. در ادامه، پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی رشوه، چیستی و ماهیت آن با محوریت موضوع و متعلق رشوه تحلیل و بررسی می‌گردد.

### ۱.۱. تعریف لغوی

رشوه، به تئلیث «راء»، واژه عربی، مفرد، معتل اللام، ناقص واوی (شرتونی، ۱۴۱۶: ۴۰۷/۱؛ بستانی، ۱۹۹۲: ۴۰۹) برگرفته از ماده «رِشا، یرشوه، رشوا»، جمع آن «رُشا» و «رِشا» باضم و فتح «راء» (فیومی، ۱۴۲۸: ۲۲۸) می‌باشد. رشوه در لغت در معانی «خواستن و طلب نمودن» (جوهری، ۱۴۱۹: ۲۳۵۷/۶)، «گسترش و امتداد یافتن» (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۱۴/۳۲۲)، «اطاعت و پیروی کردن» (کرطانی، ۱۴۲۹: ۵۲)، «نرمش و مدارا نمودن» (ابن منظور، پیشین)، «دستمزد و حق السعی که با شرط خاصی به دیگری پرداخته می‌شود» (فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۳۳۲/۴)، «چیزی که به حاکم و دیگری می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا خواسته‌اش را برآورد» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۸)، «رسیدن به خواسته از راه غیر قانونی» (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱/۵۶۹)، «پرداخت مال برای ابطال حق و احقاق

باطل» (شرتونی، پیشین) و «مالی که برای وادار کردن مأموری به انجام کاری به حق یا ناحق پرداخت گردد» (سامی، ۱۳۱۷: ۶۶۵) به کار رفته است.

در واژه‌نامه‌های فارسی، رشوه به معانی «اتاوه، برطیل، برطیله، بلکفد، پاره، مزد» (صفی‌پور، بی‌تا: ۴۰۱/۱) و «کود و خاشاک» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۰۹۱/۸) آمده است. در زبان فارسی کهن، قبل از ورود زبان عربی، واژه «پاره» به جای کلمه رشوه کاربرد داشته است، اما پس از ورود زبان عربی، کلمه «رشوه» جایگزین لفظ «پاره» گشته و اکنون واژه پاره کاربرد خود را در مفهوم رشوه از دست داده است. (دادوئی، ۱۳۸۴: ۳۴) معادل انگلیسی کلمه رشوه، واژه «Bribe» (باطنی، ۱۳۸۷: ۱۵) می‌باشد.

## ۲.۱. تعریف فقهی رشوه

در علم فقه، احکام بر موضوعات‌شان تعلق می‌گیرند (دادوئی، پیشین: ۳۸)، لذا تفاوت معنایی لفظ موجب دگرگونی و تفاوت دایره صدق حکم می‌گردد. تعیین محدوده حکم، بستگی به تعریف صحیح و دقیق موضوع حکم دارد، به همین جهت تعریف اصطلاحی، نسبت به تعریف لغوی، حساسیت بیشتری داشته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه در متون دینی، تعریف جامع و تفسیر خاصی از رشوه به عمل نیامده (موسوی خوئی، ۱۴۲۲: ۱/۳۶۰) و حدود و ثغور آن روشن نگردیده، در فقه اصطلاح خاصی برای رشوه وجود ندارد و فقها رشوه را با همان معنای لغوی اش موضوع حکم قرار داده‌اند. آنان در نهایت در برخی موارد با افزودن قیدی، موضوع و متعلق رشوه را محدود و یا توسعه داده‌اند، از این رو در اصطلاح فقها تعریف‌های متعددی از رشوه به چشم می‌خورد. (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷: ۴۸/۱۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۱/۴۹۴؛ شیرازی، ۱۳۹۲: ۸۷؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۱۴۷/۲۲)

همچنین ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ایران (مصوب ۱۳۶۷) و ماده ۳۷۰ و ۳۷۱ کد جزا افغانستان (مصوب ۱۳۹۵) به تبیین و تعریف رشوه پرداخته‌اند. در ادامه تعابیر و تعاریف متعدد و مختلف رشوه را





می‌توان با دو محوریت «موضوع» و «متعلق» رشوه، ضمن چند تعریف، دسته‌بندی و ارزیابی کرد.

## ۲. چیستی و ماهیت رشوه

شناخت دقیق موضوع نوشته‌های علمی و پژوهشی، با قیود و حدودش - که شرط اساسی استنباط صحیح است - از اهمیت ویژه و جایگاه والایی برخوردار بوده و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چه بسا یک واژه، دارای معانی متفاوت و گاه متضادی است که هر کدام ممکن است منشأ اختلاف نظر گردد. در ادامه برای تبیین ماهیت رشوه، نخست دیدگاه‌ها و نظریات فقها پیرامون چیستی رشوه با محوریت مضوع و متعلق رشوه بررسی و ارزیابی شده و سپس تعریف منتخب بیان می‌گردد.

### ۲.۱. تعریف رشوه با محوریت موضوع

در این تعریف که با محوریت موضوع رشوه شکل گرفته، عنایت خاصی به موضوع رشوه شده است؛ این تعریف از تعابیر و سخنان برخی فقها پیرامون رشوه به دست می‌آید. طبق این مبنا و معنا رشوه در محدوده قضاوت قاضی و اصدار حکم موضوعیت دارد و شامل غیر آن نمی‌گردد. اخذ مال در موارد غیر حکم و قضاوت باید از مسیر دیگری توجیه گردد. تعریف رشوه با محوریت موضوع را می‌توان ضمن سه تعریف ذیل مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

#### ۲.۱.۱. انحصار رشوه در قضاوت

تعداد از فقیهان و دانشمندان، با الهام و توجه به احادیث صادره از سوی پیشوایان دینی در باب رشوه که با قید «فی الحکم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۴۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/۹؛ ۵۰/۱۰۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۱: ۵/۸۲۴؛ حر عاملی، ۱۳۸۳: ۲۷/۲۲۳؛ ۱۷/۹۴؛ سیوطی، ۱۳۶۵: ۲/۲۸۴) همراه است، رشوه را مختص باب قضاوت و حکم می‌دانند و براین باورند که رشوه تنها در محدوده قضاوت قاضی و اصدار حکم موضوعیت دارد و شامل غیر حکم و قضاوت نمی‌گردد.



بر این اساس، این عده، حرمت اخذ مال در سایر ابواب را با قاعده «حرمت اکل مال به باطل» توجیه می‌کنند. طبق این تعریف، رشوه از نگاه ایشان، موضوع منحصر و محدود در قضاوت و حکم بوده و در غیر آن موضوعیت ندارد.

این تعریف و تفسیر از سخنان و کلام مولفان و مصنفان شرایع الاسلام (حلی، ۱۴۰۹: ۷۸/۴)، مستند الشیعه (نراقی، ۱۳۷۹: ۷۰/۱۷)، تحریر الوسیله (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۳۶/۲)، ریاض المسائل (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۸/۸۴)، عروة الوثقی (طباطبائی، ۱۴۲۰: ۴۴۲/۶)، الروضة البهیه (عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۱/۴۹۹)، مسالک الإفهام (همو، ۱۴۱۳: ۲/۴۰۵) و قواعد الاحکام (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱/۱۲۱) به دست می‌آید.

مستفاد کلام فقهای مذکور، انحصار رشوه در باب حکم و قضاوت است، زیرا این دسته از فقیهان با آوردن قید «حکم» در تبیین و تعریف رشوه، موضوع آن را منحصر در قضاوت و حکم نموده‌اند. شاهد این مدعا دیدگاه شیخ انصاری است؛ ایشان علی‌رغم اینکه ظاهر عمل را درباره قاضی و غیر قاضی یکسان دانسته و عمل هر دو را حرام می‌داند، ولی دادن رشوه به غیر قاضی را به جهت صدق عنوان رشوه حرام نمی‌داند، بلکه معتقد است چون رشوه دارای فساد (اثر وضعی) است، حرام می‌باشد.

از نگاه شیخ ایشان، صدق عنوان رشوه در غیر مورد قضاوت و حکم پذیرفتنی نبوده و نفس رشوه در غیر قضاوت حرام نیست، اگرچه تصرف در مال الرشوه حرام است، چون به اعتقاد ایشان با عقد باطل، مال از ملکیت رشوه‌دهنده خارج نشده و به رشوه‌گیرنده منتقل نمی‌گردد، از این رو تصرف در آن مال حرام و مصداق خوردن مال به باطل است. (انصاری، ۱۴۲۲: ۲۴۷/۱) همچنین حسینی عاملی پس از آنکه رشوه را منحصر در قضاوت و حکم می‌داند، با افزودن قید «کما هو الحق» در تعریف رشوه، تأکید می‌کند که رشوه در غیر قضاوت و حکم موضوعیت ندارد. (حسینی عاملی، بی تا. ۱۳۱/۴)



همین طور مستفاد از تعریف فخرالدین طریحی در «مجمع البحرین»، انحصار رشوه در باب حکم و قضاوت است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۸۲)، چون ایشان رشوه را به بذل مال جهت اصدار حکم تعریف نموده است. آوردن قید حکم در تعریف رشوه بیانگر انحصار آن در حکم و داوری است. صاحب جواهر نیز تعریفی را مبنی بر اختصاص داشتن رشوه به قضاوت و حکم نقل نموده است. (نجفی، ۱۹۸۱: ۴/ ۱۳۳)

به طور کلی می‌توان گفت قاعده و ضابط فوق (انحصار رشوه در قضاوت) در تعریف و تفسیر رشوه، از کلام و سخنان کسانی که در تعریف رشوه از واژه «حکم» استفاده نموده‌اند، قابل اصطیاد است، زیرا در تعریف و توضیح رشوه، متبادر از کلمه «حکم» به ذهن، حکم و داوری است، اگرچه کلمه حکم در غیر قضاوت نیز جریان دارد، اما در این گونه موارد (در باب داوری) انصراف به قضاوت و حکم قاضی دارد. به عبارت دیگر در تعریف و تبیین رشوه هر جا سخن از حکم به میان آید مقصود از آن، قضاوت و داوری است، از این رو در عبارات پیشین آنچه از کلمه «حکم» به ذهن متبادر می‌کند، قضاوت و داوری می‌باشد. بنابراین طبق این تعریف و توضیح، رشوه از نظر موضوع منحصر در باب قضاوت و حکم بوده و شامل موارد دیگر نمی‌گردد. به عبارت دیگر تحقق عنوان رشوه منحصر در قضاوت قاضی و اصدار حکم بوده و موارد دیگر از دایره شمولیت عنوان رشوه خارج است.

## ۲.۱.۲. انحصار رشوه در جُعل قاضی

در این تعریف و تعبیر، «رشوه» به جُعل قاضی تفسیر شده است. فقیهانی چون مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۵۴) و محقق ثانی (محقق کرکی، ۱۹۸۱: ۴/ ۴۵)، موسوی اردبیلی (موسوی، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۹۳) و ابن ادریس حلی در سرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲/ ۱۶۶) رشوه را به «جُعل» تفسیر و تعریف نموده و گرفتن حق الجعالة از طرفین دعوا را رشوه دانسته‌اند.

حسینی روحانی نیز رشوه را جُعل در برابر حکم می‌داند. ایشان در بیان مفهوم رشوه نخست شش قول را یادآور می‌شود و سپس همه اقوال را مخدوش دانسته و قول





ششم که رشوه را به جعل در برابر حکم به باطل تفسیر نموده، به عنوان قدر متیقن در معنا و مفهوم رشوه می‌پسندد. (حسینی روحانی، ۱۴۱۳: ۱۴/ ۲۷۰) البته این نکته شایان ذکر است که تفاوت این تعریف با تعریف پیشین در این است که طبق این تعریف رشوه ضمن یک نوع عقد (جعاله) و به صورت قرارداد انجام می‌گیرد، ولی در تعریف قبلی چنین چیزی مطرح نیست.

این معنا در لغت‌نامه‌هایی مانند «لسان العرب» ابن منظور (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۱۴/ ۳۲۲)، «قاموس المحيط» فیروزآبادی (فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۴/ ۱۸۲)، «متن اللغه» احمد رضا (رضا، ۱۳۷۷: ۲/ ۵۹۲) و «محیط المحيط» معلم بستانی (بستانی، ۱۹۹۲: ۱/ ۷۸۳) نیز منعکس شده است.

فاضل هندی نیز با الگوپذیری از نظرات لغویان، رشوه را به جعل معنا نموده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰/ ۵۲) از آنجایی که صاحب جواهر، دریافت اجرت در برابر قضاوت و حکم را به صورت مطلق حرام دانسته، می‌رساند که از نگاه ایشان نیز جعل از افراد و مصادیق رشوه به شمار می‌رود. (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۲/ ۱۴۶)

شیخ انصاری نیز تعریف رشوه به جعل را قول مشهور علما و فقها می‌داند. (انصاری، ۱۴۲۲: ۱/ ۲۴۷) شهید اول نیز در کتاب «الدروس الشرعیه»، رشوه را به جعل تفسیر و تعریف نموده است. (مکی، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۷۲)

از آنجایی که جعاله از عقود صحیحه و امضایی اسلام به شمار می‌رود، تفسیر رشوه به جعل، مطلق جعل مد نظر نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ۷۴)، زیرا نمی‌توان پذیرفت که رشوه همان جعل است و بین‌شان رابطه تساوی برقرار است، بلکه مراد از واژه جعل در این تعریف، جعل قاضی است، چنان که صاحب جواهر الکلام در این زمینه می‌فرماید: «رشوه مطلق جعل نیست، بلکه بین رشوه و جعل، عموم من وجه است». (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۲/ ۱۴۶)

این سخن مرحوم آیت الله خوئی که می‌فرماید: «تفسیر نمودن رشوه به جعل که از سوی قاموس ارائه شده، تفسیر اعم است» (موسوی خوئی، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۶۰) نیز



بیانگر این مدعاست که بین رشوه و جُعل رابطه تساوی نیست. بنابراین مقصود کسانی که رشوه را به جُعل تفسیر نموده‌اند، جُعل قاضی است نه مطلق جُعل که مورد پسند عقل و تأیید شرع است.

### ۳. ۱. ۲. رشوه اعم از جُعل و قضاوت

این تعریف که متخذ از اطلاق روایات (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۱۲/۶۴؛ قمی، ۱۳۸۶: ۳/۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲/۲۷۴؛ کلینی، ۱۳۷۵: ۵/۱۴۱) باب رشوه است، مفهوم رشوه را در غیر مورد قضاوت و حکم تسری داده و برای آن معنای گسترده و وسیعی در نظر گرفته است.

طبق این معنا رشوه از جهت موضوع اختصاص به قضاوت و حکم ندارد، بلکه شامل همه ارگان‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی می‌شود. به عبارت دیگر برحسب این تعریف رشوه از نظر موضوع دارای معنای گسترده و عامی است که همه موارد و مصادیق محتمل را دربر می‌گیرد.

شیخ طوسی نخستین فقهی است که محدوده معنایی رشوه را از قضاوت و حکم به عامل و کارگزاران حکومتی تسری داده است. (طوسی، ۱۳۵۱: ۸/۱۵۱) ایشان در تبیین حکم فقهی رشوه واژه «عامل» را به کار برده است که بیانگر عمومیت داشتن رشوه است، زیرا طبق تعریف اهل لغت، عامل کسی است که متصدی کارهای دیگران در امور مالی و ملکی شود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۲۵۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳/۳۰۰، ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۷۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۵/۴۳۱) همچنین «عامل» در زبان فارسی نیز کاربرد گسترده و وسیعی دارد که شامل مأمورین حکومتی، ضابطین و والیان می‌گردد. (معین، ۱۳۸۸: ۹۹۳)

شهید ثانی نیز با آوردن قید «عامل» در تعریف رشوه، نه تنها آن را محدود به قضاوت و حکم نمی‌داند، بلکه دلیل تعمیم رشوه را اجماع و اتفاق مسلمین می‌داند. (عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۲/۴۰۵)

آیت الله خوئی معتقد است در متون و منابع دینی تعریف دقیق و تفسیر خاصی از رشوه به عمل نیامده است، از این رو برای تبیین معنای اصطلاحی رشوه باید به اهل

عرف، لغت‌شناسان و سخنان اصحاب مراجعه کرد و حاصل مراجعه این‌گونه خواهد شد: «رشوه چیزی است که برای احقاق حق یا انجام باطلی یا تملق و چاپلوسی و یا برای رسیدن به مقصود یا عملی که اجرت ندارد، پرداخت می‌شود». (موسوی خوئی، ۱۴۱۲: ۱/۳۳۷)

صاحب جواهر نیز در زمره کسانی است که قائل به عمومیت داشتن رشوه نسبت به عامل و کارگزاران حکومتی شده است. (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۰/۱۳۳)

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی در عروة الوثقی به صراحت بیان می‌دارد که رشوه منحصر به قضاوت نبوده و شامل غیر حکم نیز می‌شود. (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۶: ۴۴۶/۶)

از فقهای معاصر، آیت الله خوئی (موسوی خوئی، ۱۴۱۸: ۳۵/۴۲۳)، آیت الله گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۰۱: ۲۳۶) و آیت الله منتظری (منتظری، ۱۴۲۳: ۳/۱۵۱) قائل به تسری رشوه نسبت به غیر قضاوت و حکم شده‌اند.

از علمای اهل سنت، ابن قدامه در «المغنی» (المقدسی، ۱۴۰۸: ۹/۵۷) و ابن حزم در «المحلی» (اندلسی، ۱۴۲۱: ۸/۱۱۸) معتقد به عمومیت داشتن رشوه در غیر حکم و قضاوت هستند.

طبق ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷) ایران، و ماده ۳۷۰ کد جزا مصوب ۱۳۹۵ افغانستان، نیز رشوه به همه سازمان‌ها، مراکز و مؤسسات دولتی اعم از قضایی و اداری تعمیم داده شده و متولیان حکومتی را اعم از عضو پارلمان، شاروالی، جرگه‌های ولایتی، محلی و موظفین خدمات عامه، رسمی یا غیر رسمی، در برابر هرگونه دریافتی از سوی مراجعان، رشوه‌گیرنده به حساب آورده است.

#### ۴. ۱. ۲. بررسی و ارزیابی تعاریف

تعریف اول و دوم، تعریفی مضیق و محدود است. در این تعریف رشوه منحصر در باب قضاوت و حکم گردیده که گستره محدودی از مصادیق رشوه را شامل می‌شود و موارد بسیاری از شمولیت آن خارج می‌ماند. محدود نمودن رشوه به باب



قضا، مخالف مستندات فقهی و قوانین موضوعه در تعریف رشوه است، چون در اکثر منابع فقهی (ر.ک: طباطبائی یزدی، ۱۴۱۶: ۲/۲۴؛ طوسی، ۱۳۵۱: ۷/۱۲۵؛ منتظری، ۱۴۲۳: ۱۴۸؛ شهابی، ۱۳۵۲: ۲/۲۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۲۴۰) و بیشتر مراجع تفسیری (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲/۱۳۳؛ طباطبائی، ۱۳۷۰: ۲/۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۲۲۷) و همچنین طبق قوانین موضوعه بسیاری از کشورها (ر.ک: ماده ۲۵۴ قانون جزای افغانستان؛ ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسلامی) رشوه به گونه‌ای تعریف شده است که شامل قضا و غیر قضا می‌گردد.

تعریف سوم که دایره معنایی رشوه را تعمیم داده است، تعریف مناسب و منطبق با منطقی و واقعیات موجود امروزی است. امان نظر و دقت در منابع فقهی، تفسیری و روایی حاکی از آن است که رشوه از نظر موضوع نمی‌تواند منحصر و محدود به قضاوت و حکم باشد. همچنین تسری رشوه به غیر قضاوت و حکم از نظر عقل (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱/۴۲۳) به عنوان مناط حجیت حکم نیز مجاز است، چون از دیدگاه عقل بین رشوه برای قضاوت و رشوه برای غیر قضاوت تفاوتی وجود ندارد و نتیجه هر دو مورد تضییع حقوق دیگران و مصداق بارز ظلم شمرده می‌شود.

توهم انحصار رشوه به حکم و قضاوت ناشی از آن است که در زمان‌های گذشته تشکیلات اداری به شکل امروزی نبوده و یا به جهت عدم دخالت فقیهان در امور حکومتی و اداره جامعه بوده است. به تعبیر دیگر قبح و زشتی رشوه پیش از آنکه یک حکم شرعی باشد، یک مسئله عقلانی و فطری است، بدین جهت در عرف امروز کشورها و ممالک مختلف جهان با ادیان و فرهنگ‌های متفاوت، رشوه معنای وسیع و گسترده‌ای دارد که سراسر نظام اداری و حکومتی، از بالاترین منصب و مقام مملکتی تا پایین‌ترین درجه کارمندی را شامل شده و در رسانه‌های جمعی از آن به صورت آشکار رشوه یاد می‌شود. (دادوئی، ۱۳۸۴: ۴۵)

طبق این معیار و مقیاس، رشوه منحصر به حکم و قضاوت نبوده و موارد غیر قضا و حکم را هم شامل می‌شود. خلاصه پس از غور و ارزیابی تعاریف سه‌گانه، می‌توان گفت تعریف سوم بهترین و سازگارترین تعاریف با سیره و روش عقلا و آیات و



روایات است و برحسب تعریف سوم، موضوع رشوه محدود به قضاوت و حکم نگردیده و دایره شمولیت آن توسعه یافته و شامل موارد غیر قضاوت و حکم نیز می‌گردد.

#### ۵. ۱. ۲. تعریف منتخب

اگرچه در لسان آیات و روایات و سخنان فقها و صاحب نظران، قضاوت و داوری اولین و مهم‌ترین مصداق رشوه شمرده شده است، اما پس از بررسی و ارزیابی تعاریف سه‌گانه و تبیین اشکالات وارده و با مبنا قرار دادن اطلاق روایات باب رشوه و سیره عقلا می‌توان گفت: رشوه منحصر به قضاوت حکم نبوده و شامل موارد و مصادیق دیگری نیز می‌گردد، زیرا:

اولاً کاربرد حدیثی و روایی لفظ رشوه در لسان برخی روایات صادر از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به طور صریح در مورد غیر حکم و قضاوت به کار رفته است، چنان که در صحیح محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام (حر عاملی، ۱۳۷۶: ۲۰۷/۱۲) راوی کلمه «رشوه» را به صراحت در موردی به کار برده که هیچ سنخیت و ارتباطی با حکم و قضاوت ندارد، ولی حضرت نه تنها از این استعمال جلوگیری نه فرموده، بلکه خود، آن را مجاز شمرده است. این می‌رساند که رشوه از نظر موضوع، معنای عام و گسترده‌ای دارد که شامل همه موارد و مصادیق آن می‌شود. (همان، ۹۴/۱۷؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۵۱/۸)

ثانیاً کاربرد لغوی رشوه در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغت، هم ملهم عدم اختصاص رشوه به قضاوت و حکم است. لغت‌شناسان و واژه‌نگاران مانند طریحی در «مجمع البحرین» (طریحی، ۱۴۱۶: ۱/۱۸۴)، فیومی در «مصباح المنیر» (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۲۳۸)، ابن اثیر در «النهایه» (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱/۵۶۹) و زمخشری در «اساس البلاغه» (زمخشری، ۱۳۸۵: ۱/۲۳۳) تعریف و معنایی را برای رشوه یادآور شده است که بیانگر وسعت و شمولیت رشوه در غیر باب قضا و حکم است.



ثالثاً در تعریف و تفسیر بیشتر فقهای فریقین، رشوه نه تنها به قضاوت و حکم محدود نشده است، بلکه به غیر حکم و قضاوت نیز تسری داده شده است. (طوسی، ۱۳۶۴: ۸/ ۱۵۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۲/ ۴۰۵؛ اندلسی، ۱۴۲۱: ۸/ ۱۱۸؛ المقدسی، ۱۴۰۸: ۹/ ۵۷)

رابعاً در اکثر مجموعه‌های حقوقی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۳۵) و قوانین موضوعه امروزی بشر، رشوه اختصاص به قضاوت و حکم قاضی نداشته، بلکه شامل همه کارکنان دولتی و موظفین خدمات عمومی می‌گردد. از جمله طبق مواد ۳۳۱-۱۱، ۴۳۲-۱، ۴۳۳-۱ و ۴۳۳-۲ قانون جزای فرانسه (مصوب ۱۹۹۲)، مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ قانون مجازات آلمان و ماده ۳۷۰ کد جزای افغانستان و ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسلامی رشوه به همه مراکز و سازمان‌های دولتی اعم از قضایی و اداری تسری داده شده و کسی که در قبال انجام خدمات که موظف به انجام آن است، وجه یا مال یا سند پرداختی بگیرد مرتشی به حساب آمده است.

خامساً از نگاه عقل، رشوه از مصادیق بارز ظلم و تعدی به حقوق دیگران بوده و بدیهی است که در نظر عقل بین رشوه برای حکم و داوری و رشوه برای غیر آن تفاوتی وجود ندارد و هر دو مورد از مصادیق ظلم و تعدی است. (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱/ ۴۲۳)

بنابراین، رشوه از نظر موضوع مطلق بوده و شامل قاضی و کارگزاران حکومتی می‌شود، خواه جزو کارکنان دستگاه قضا باشد یا مأمورین و موظفین خدمات عمومی. از سویی محصور و محدود کردن رشوه در باب قضاوت و حکم، با مستندات نقلی و عقلی ناسازگار است.

## ۲.۲. تعریف رشوه با محوریت متعلق

با توجه به عدم تعریف رشوه در متون و منابع اسلامی، این پرسش به ذهن می‌رسد که متعلق رشوه از منظر فقه و حقوق، منحصر و محدود به اموال است یا شامل موارد غیر مالی مثل اقوال و افعال نیز می‌گردد؟ مثلاً اگر شخصی برای به دست آوردن نظر قاضی، به مدح و ثنای او پردازد و او را تعظیم و تکریم نماید، یا به نفع او سخن



بگوید و خلاصه با انجام هر گونه عمل و گفتاری که مورد پسند و به نفع قاضی است، نظرش را به خود جلب کند تا به نفع او حکم صادر نماید، رشوه محسوب می شود یا اینکه رشوه اختصاص به اموال دارد و موارد غیر مالی را شامل نمی گردد؟ در پاسخ این پرسش، بین فقیهان و اندیشمندان رویکرد متفاوتی وجود دارد؛ بیشتر فقیهان در مورد رشوه غیر مالی نظر خاصی را مطرح نکرده اند و حتی بعضی از فقها در شمولیت رشوه بر موارد غیر مالی ابراز تردید کرده و قول به عدم شمول را قوی تر دانسته اند. (ر.ک: عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۱/ ۵۹۰؛ همو، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۳۶؛ نراقی، ۱۳۷۹: ۱۷/ ۷۰)

در مقابل، برخی از اندیشوران اسلامی بر این باورند که رشوه اختصاص به امور مالی نداشته و شامل موارد غیر مالی نیز می گردد. (ر.ک: شیرازی، ۱۳۹۲: ۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۱/ ۳۰۸؛ گلپایگانی، ۱۴۰۱: ۱/ ۲۰۸)

در ادامه تعریف و تفسیر رشوه با محوریت متعلق، ضمن سه مبحث تبیین می گردد.

### ۱. ۲. ۲. انحصار رشوه به اموال

از آنجایی که رشوه غالباً از طریق پرداخت های مالی تحقق یافته و متعلق آن مال واقع می شود، جمهور فقها پیرامون رشوه غیر مالی طرح مسئله نکرده و عمدتاً بحث شان پیرامون رشوه، مسئله ضمان یا عدم ضمان مال الرشوه بوده است. این عده از فقها با تعریف و تفسیر رشوه به مال، رشوه را از نظر متعلق و جنس پرداختی منحصر در امور مالی نموده و دایره شمولیت آن را بر موارد غیر مالی مورد تردید و تشکیک قرار داده اند. (آشتیانی، ۱۴۲۵: ۱/ ۱۵۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۲۳: ۱/ ۵۹۰؛ همو، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۳۶؛ نراقی، ۱۳۷۹: ۱۷/ ۷۰)

ضابطه تعریف در این مبنا، متعلق و مال الرشاء است که طبق آن رشوه از نظر متعلق و جنس پرداختی محدود به امور مالی بوده و موارد غیر مالی را شامل نمی شود. شهیدثانی در کتاب «روضه البهیه»، رشوه را با معیار متعلق و جنس



پرداختی، به دریافت مالی از طرفین دعوا تعریف و تفسیر نموده است. (عاملی جبعی، همان: ۷۴)

ایشان در کتاب «مسالک الافهام» نیز با تفسیر رشوه به مال، دایره شمولیت رشوه را منحصر و محدود به امور مالی کرده است. (همان: ۱۴۶)

این تعریف (انحصار رشوه به اموال) از کلام مرحوم نراقی در کتاب «مستند الشیعه» نیز که گفته‌اند: «فلا کلام فی أن الرشوة هی المال مأخوذ من أحد الخصمین أو منهما أو من غیرهما للحکم علی الآخر» (نراقی، پیشین) قابل اصطیاد است، زیرا وی با تعریف رشوه به «هی المال مأخوذ من أحد الخصمین»، رشوه را به لحاظ متعلق محصور و محدود به امور مالی نموده است.

همچنین آشتیانی با استناد به اصل و سیره مستمره که به زمان معصوم علیه السلام منتهی می‌شود، شمول رشوه بر موارد غیر مالی را نپذیرفته و قول به عدم شمول را قوی‌تر دانسته است. (آشتیانی، پیشین: ۱۳۵) از نگاه ایشان قبول تعارفات معمول گفتاری مانند مدح و ستایش قاضی و رفتاری مثل انجام خواسته‌های او، به دلیل اصل و سیره‌ای مستمره که به زمان معصوم علیه السلام منتهی می‌شود، رشوه محسوب نمی‌شود. (همان)

از ماده ۳ قانون تشدید مجازات ایران که از واژه‌هایی مانند «وجه»، «مال» و «سند» استفاده نموده و متن ماده ۵۹۰ قانون تعزیرات که از عبارات «ارزان‌تر از قیمت» و «گران‌تر از قیمت» استفاده نموده‌اند، چنین استنباط می‌شود که طبق قانون تشدید مجازات اسلامی، رشوه به لحاظ متعلق و جنس پرداختی منحصر در امور مالی بوده و شامل موارد غیر مالی نمی‌گردد، اما در قانون کیفری افغانستان چنین انحصاری وجود ندارد.

از بررسی مطالب گذشته به این نتیجه می‌رسیم که طبق تعریف و تفسیر مذکور که متعلق رشوه را به پراخت‌های مالی منحصر نموده است، عنوان رشوه زمانی محقق می‌گردد که متعلق رشوه و جنس پرداختی مال باشد و موارد غیر مالی از تحت عنوان رشوه خارج است و با پرداخت آن رشوه تحقق نمی‌یابد. به عبارت دیگر طبق



این تعریف پرداخت‌های مالی در تحقق عنوان رشوه موضوعیت دارد و با پرداخت‌های غیرمالی عنوان رشوه در خارج محقق نمی‌گردد.

## ۲.۲.۲. انحصار رشوه به اموال و افعال

در متون و منابع فقهی، رشوه غیر مالی چندان مورد توجه علما و فقها قرار نگرفته و به گفته صاحب جواهر، پیش از او کسی این موضوع را طرح نکرده است (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۰/۱۴۶)، اما عده‌ای از دانشمندان رشوه را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که موارد غیر مالی را نیز شامل می‌شود. (شیرازی، ۱۳۹۲: ۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۱/۳۰۸؛ گلپایگانی، ۱۴۰۱: ۱/۲۰۸؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۱۶: ۶/۴۴۴)

طبق این تعریف رشوه منحصر به امور مالی نیست و موارد غیر مالی نیز متعلق رشوه واقع شده و مشمول حکم آن می‌گردد. شاهد این مدعا سخن صاحب جواهر است:

فالذی ینبغی فی المقام تحریر آمرانٍ أحدهما أن الرشوة خاصة فی الأموال و فی بذلها علی جهة الرشوة أو أنها تعمها و تعم الأعمال بل الأقوال، كمدح القاضی و الثناء علیه و المبادرة الی حوائجه و إظهار تجبيله و تعظمیه و نحو ذلك و تعم البذل و عقد المحاباة و العارية و نحو ذلك و بالجملة كل ما قصد به التوصل الی حکم الحاكم، قد یقوی فی النظر الثانی. (نجفی، پیشین، ۲۲/۱۴۷-۱۴۶)

ایشان این بحث را به صورت سوال مطرح نموده و پس از ذکر دو نظریه در تفسیر و تبیین رشوه، خود دیدگاه دوم، یعنی تعمیم متعلق را در تعریف رشوه پذیرفته است. دیدگاه فقیهانی دیگر نیز بر همین معنا و مبنا استقرار یافته است. (ر.ک: شیرازی، پیشین؛ گلپایگانی، پیشین: ۲۰۶؛ سبحانی، پیشین) از تعریف لغت‌نگاران نیز تعمیم متعلق رشوه قابل استنباط و استخراج است، چنان که در کتاب مجمع البحرین رشوه به «ما یعطیه الشخص الحاكم و غیره لیحکم له او یحمله علی ما یرید» تعریف شده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۱۸۲) با توجه به اینکه طریحی کلمه «ما» را در تعریف رشوه آورده، می‌رساند که از نگاه ایشان رشوه منحصر به





امور مالی نبوده و مقصود از آن، هر نوع امتیاز، بخشش و منفعتی است که رشوه دهنده در اختیار رشوه گیرنده قرار می دهد.

چنان چه گفته شود متبادر از کلمه «ما» پرداخت های مالی است نه غیر مالی، زیرا کلمه «یعطیه» قرینه می شود که منظور از واژه «ما» در تعریف مذکور رشوه مالی باشد، نه رشوه غیر مالی، در پاسخ می توان گفت این ادعا مورد پذیرش نیست، زیرا اولاً کلمه «ما» عام است و شامل هر آنچه که رشوه دهنده در اختیار رشوه گیرنده قرار دهند می شود و هر نوع امتیازی که راشی، برای رشوه گیرنده در نظر بگیرد، تحت عموم کلمه «ما» داخل است.

ثانیاً کلمه «یعطیه» خود قرینه می شود که منظور از «ما» در این تعریف امور غیر مالی نیز هست، چون امتیازات غیر مالی نیز مانند امتیازات مالی، قابل اعطا و بذل بوده و مورد استفاده و بهره وری قرار می گیرد.

ابن اثیر از لغت شناسان معروف اهل سنت، نیز رشوه را رسیدن به خواسته ها از راه زدوبند و تبانی می داند. (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۲/ ۲۲۶) این تعریف نیز مطلق بوده و شامل هر راهی که رشوه دهنده را به هدفش برساند می شود، چون تبانی و مصلحت با پرداخت های مالی و غیر مالی سازگاری داشته و با هر دو نوع پرداخت، تحقق می یابد، لذا رشوه اختصاص به پول نداشته و هر چیزی که در این مسیر قرار گیرد و به هر عنوانی هم که پرداخت شود رشوه محسوب می شود. (دادستان، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۸)

### ۲.۲.۳. رشوه اعم از اموال و افعال

بر اساس این تعریف رشوه دارای مفهوم وسیع و معنای گسترده ای بوده و مصادیق و نمونه های متعددی دارد. در این تفسیر رشوه علاوه بر اموال و افعال، شامل اقوال و گفتار مثل تمجید کردن و تعریف نمودن نیز می گردد. (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۴۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱/ ۴۲۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۳۰۰؛ شیرازی، ۱۳۹۲: ۸۸؛ گلپایگانی، ۱۴۰۱: ۱/ ۳۲۸؛ محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۶۹؛ نجم آبادی، ۱۴۲۱: ۹۹)



سید محمدکاظم یزدی، ضمن بیان اقسام رشوه، اقوال و گفتار را از اقسام و مصادیق رشوه شمرده و با عبارت «کالسعی فی حوائجه و اظهار تعظیمه و تجحیله و نحو ذلک» شمولیت رشوه بر افعال و رفتار را پذیرفته است. (طباطبائی یزدی، پیشین) طبق تعریف آیت الله گلپایگانی، رشوه اعم از اموال و افعال است، زیرا ایشان رشوه را مطلق اعطای انسان تعریف نموده و هیچ تفاوتی بین امور مالی و غیر مالی نگذاشته است و این می‌رساند که از نگاه ایشان نیز رشوه اعم از اموال و افعال است. (گلپایگانی، پیشین)

از نگاه آقای سبحانی نیز رشوه منحصر به اموال و افعال نبوده و هر چیزی که موجب تضییع حقوق دیگران شود، رشوه محسوب می‌شود. (سبحانی، پیشین) در تعریف دیگری، دعوت نمودن برای سیاحت و ضیافت نیز رشوه به شمار می‌رود. (موسوی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۳۴) طبق این مقیاس، اقوال و گفتار نیز مشمول دایره رشوه بوده و رشوه شامل آن می‌گردد. همین‌طور در تعریف اصطلاحی ارائه شده از سوی لغت‌نگاران نیز رشوه در مفهوم وسیع و گسترده‌ای به کار رفته است که محدود و محصور به اموال و افعال نمی‌گردد. (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ۱/۱۸۴؛ ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱/۶۵۹؛ زمخشری، ۱۳۸۵: ۱/۳۴۱؛ فیومی/۲۲۸)

همین‌طور طبق فقره دوم ماده ۳۷۱ و ۳۷۲ کد جزای افغانستان که متضمن بیان مجازات رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده است، رشوه از ناحیه متعلق و جنس پرداختی، منحصر در امور مالی نبوده و شامل موارد غیر مالی نیز می‌گردد، به خلاف ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسلامی که رشوه را از نظر متعلق و جنس پرداختی محصور در امور مالی نموده است.

#### ۴.۲.۲. ارزیابی تعاریف

تعریف اول که رشوه را به لحاظ متعلق منحصر به امور مالی نموده، تعریف محدود و مضیق است. در این تعریف متعلق رشوه منحصر در امور مالی شده و شامل بسیاری از مصادیق و نمونه‌های آن نمی‌گردد. در برابر تعریف اول، تعریف



سوم، تعریف باز و موسعی است که طبق آن اقوال و افعال هم از مصادیق و موارد رشوه بوده و مال الرشوه محسوب می‌شود.

در این بین، تعریف دوم، مواجهه با اشکالات پیشین نبوده و با فلسفه تحریم رشوه و مبنای حرمت آن سازگارتر است.

دقت در فلسفه حرمت رشوه و بررسی سخنان فقها (ر.ک: مقدس اردبیلی، آشتیانی، نجم‌آبادی و نجفی: منابع پیشین) ملهم عدم انحصار متعلق رشوه به اموال است. گرایش بیشتر فقها در انحصار متعلق رشوه به اموال، به منزله قبول نداشتن رشوه غیر مالی و مخالفت با آن نیست، بلکه به علت عدم ابتلای جوامع گذشته به رشوه غیر مالی و یا اهمیت مسئله ضمان در مال الرشوه بوده است.

همچنین تعریف سوم نیز دارای ایراد و اشکال است، زیرا رشوه به عنوان یک عمل مجرمانه، در بردارنده مسئولیت کیفی و مدنی بوده و بر اساس آیات و روایات، تحریم شده (طباطبائی، ۱۴۱۹: ۲/۵۲؛ قرطبی، ۱۳۷۲: ۱/۳۴۰؛ گلپایگانی، ۱۴۰۱: ۲/۱۹۹؛ صابونی، ۱۳۹۶: ۱/۱۲۵؛ مغنیه، ۱۹۸۲: ۲/۲۹۱) و در متون فقهی و قوانین موضوعه هم برای رشوه دهنده، خصوصاً رشوه گیرنده مسولیت کیفی (مجازات) و مدنی (ضمان) در نظر گرفته شده است و این دو مسولیت، در صورتی قابل تحقق است که متعلق رشوه اموال باشد، یعنی چیزی که دارای منفعت حلال و عقلائی (موسوی خمینی، ۱۳۶۹) بوده و قابلیت مبادله را داشته باشد (انصاری، ۱۴۲۲: ۱/۲۴۳)، مادی یا معنوی باشد، ولی گفتار، بهخلاف اموال به هیچ وجه مال محسوب نمی‌شود و دارای ارزش اقتصادی و مالی نیست، از این رو، متعلق رشوه قرار نمی‌گیرد.

### ۵.۲.۲. تعریف منتخب

پس از ارزیابی و تحلیل تعاریف پیشین و تبیین اشکالات هریک و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن‌ها و با توجه به فلسفه تحریم رشوه و تمسک به اطلاق آیات و روایات باب رشوه، می‌توان گفت: «رشوه از نظر متعلق و جنس پرداختی نمی‌تواند منحصر و محدود به امور مالی باشد»، زیرا:



اولاً توجه و گرایش بیشتر فقها در منحصر نمودن رشوه به مال، به جهت وجه غالب (اموال) در پرداخت رشوه در زمان‌های دور، هنگام قضاوت بین افراد بوده است، نه انحصار آن در امور مالی. به تعبیر دیگر تعریف و تفسیر رشوه به مال، از باب بیان مصداق بارز و غالب رشوه است نه از باب انحصار آن در امور مالی، یعنی در متعلق رشوه، مال فی نفسه موضوعیت ندارد و ذکر مال فقط به عنوان بیان نمونه و مصداق بارز رشوه است.

ثانیاً بیشتر علما و اندیشمندان، واژه «مال» را در تعریف رشوه نیاورده و رشوه را باکلمه «ما» تعریف نموده‌اند و حتی در تعاریف برخی از اندیشوران از رشوه، هیچ یک از واژه‌های «ما» و «مال» دیده نمی‌شود و این بیان‌گر اطلاق و عمومیت داشتن متعلق رشوه است و اطلاق آن شامل هر گونه امتیاز و منفعتی است (مالی و غیر مالی) که رشوه دهنده در اختیار رشوه گیرنده قرار می‌دهد.

ثالثاً مستفاد از آیات و روایات که در حرمت رشوه مورد استدلال و استناد اندیشمندان قرار گرفته، عمومیت داشتن متعلق رشوه نسبت به اموال و اعمال است.

رابعاً از فلسفه حرمت رشوه - که اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم است - (حرعاملی، ۱۳۸۳: ۲۰۷/۱۲) استنباط می‌شود، هر چیزی اعم از امور مالی و غیر مالی که موجب تضییع حقوق دیگران و زیر پا گذاشتن عدالت گردد، رشوه محسوب می‌شود و اختصاص به مورد خاصی ندارد. (همان)

خلاصه از بین تعاریف سه گانه، منتخب نگارنده تعریف دوم است، زیرا طبق این تعریف متعلق رشوه منحصر در امور مالی نبوده، بلکه امور غیر مالی مانند افعال انسان نیز می‌توانند متعلق رشوه واقع شود و رشوه نسبت به امتیازات غیر مالی اطلاق داشته و همه موارد مذکور را در بر می‌گیرد.

### ۳. تعریف پیشنهادی

با توجه به اینکه در متون و منابع اسلام از رشوه تعریف جامع و دقیقی صورت نگرفته و علما و فقها نیز در تعریف آن اختلاف نظر دارند، به دست آوردن یک تعریف و اصطلاح جامع و فراگیر برای معانی و کاربردهای مختلف رشوه، امر



مشکل و چه بسا دشوار است، با آن‌هم می‌توان تعریف زیر را که نتیجه و برآیند نظرات و دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان پیرامون رشوه است، پیشنهاد کرد: «رشوه عبارت است از پرداختن چیزی از سوی یکی از متخاصمان یا هر دوی آن‌ها و یا از سوی شخص سومی برای رسیدن به هدف، درجایی که پرداخت وجه در آنجا هیچ‌گونه توجیه شرعی و عقلانی ندارد».

این تعریف در بردارنده عناصر و ویژگی‌هایی است که به نحوی بیان‌گر جامعیت و گستردگی تعریف مذکور است. اینک به صورت فشرده و گذرا به تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

۱. اختصاص نداشتن رشوه به قضاوت: طبق این تعریف پرداخت وجه در جایی که مورد تأیید شرع و پسند عقل نباشد رشوه محسوب شده و به مصداق و مورد خاصی اختصاص ندارد. با این و صف، پولی که به قاضی در برابر صدور حکم پرداخت می‌گردد و یا به کارمندان و مأمورین حکومتی داده می‌شود تا آنچه را که وظیفه اوست و برای آن استخدام شده است انجام دهد، رشوه محسوب می‌شود، زیرا پراخت وجه در این‌گونه موارد، مورد پذیرش عقل و تأیید شرع نیست. از این رو راوی هنگام سؤال پیرامون مردی که پولی به شخصی می‌دهد تا از خانه‌اش خارج شود، تعبیر به رشوه می‌کند (طوسی، ۱۳۶۴: ۶/۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۳۸۳: ۱۲/۲۰۸)، چون خارج شدن یک فرد از ملک مشترک بین افراد، برای اسکان فرد دیگر، مصداق امری نیست که از نگاه شرع و عقل دلیلی برای پرداخت وجه در آنجا وجود داشته باشد.

در روایت صیرفی از امام کاظم علیه السلام نیز آمده است که در آخر حدیث، امام علیه السلام فرمود: «اگر به وسیله دادن رشوه مالت را اصلاح کنی (جلو ظلم را بگیری و چاره‌ای جز این نباشد) اشکالی ندارد رشوه دهی». آن‌گاه امام علیه السلام لختی درنگ کرده و سپس فرمود: «اگر به آن‌ها رشوه دهی کمتر از شرط از شما می‌گیرند؟» راوی می‌گوید عرضه داشتم: آری. امام علیه السلام فرمودند: «اگر چنین است رشوه‌ات فاسد است». (همان: ۲۰۷) در اینجا مسلماً فساد رشوه به خاطر خروج از حق و عدالت و تجاوز و ظلم به حقوق دیگران است.



۲. اختصاص نداشتن رشوه به اموال: طبق تعریف مذکور، جوهره و رکن اصلی رشوه رسیدن به هدف است، ازاین‌رو رشوه از نظر متعلق اختصاص به امور مالی نداشته، عام و فراگیر است و هر چیزی را که برای رسیدن به هدف، پرداخت شود شامل می‌گردد. به تعبیر دیگر، در این تعریف کلمه رشوه اطلاق دارد و بدون ذکر قید و فرقی بین رشوه مالی و غیر مالی بیان شده است، لذا شامل هر آنچه که راشی در اختیار مرثی قرار دهد می‌شود و هر نوع امتیازی را که راشی، برای رشوه‌گیرنده در نظر بگیرد، تحت اطلاق واژه رشوه داخل است. خلاصه طبق تعریف مذکور، امور غیر مالی از قبیل اعمال و افعال نیز می‌توانند مانند اموال به عنوان متعلق رشوه برای رسیدن به هدف در اختیار رشوه‌گیرنده قرار گرفته و عنوان رشوه محقق گردد.

۳. اختصاص نداشتن رشوه به حکم باطل: به خلاف برخی از فقها و علماء (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۱۹؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۱۲/۲۷۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۸/۶؛ نجم‌آبادی، ۱۴۲۱: ۱۰۴) که معتقدند رشوه منحصر به بذل مال در برابر حکم به باطل است و شامل حکم به حق نمی‌شود، طبق این تعریف، شاخص و معیار اصلی در تحقق عنوان رشوه رسیدن به هدف است، چه حق باشد و چه باطل؛ یعنی در تحقق رشوه حق یا باطل بودن هدف نقشی ندارد، چه بسا در مواردی پرداخت وجه برای رسیدن به حق نیز رشوه محسوب می‌شود. مثلاً در جایی که انسان برای رسیدن به حق، با وجود مجاری قانونی، از طریق پرداخت رشوه اقدام نماید، رشوه محقق می‌گردد ازاین‌رو رشوه اختصاص به پرداخت وجه برای رسیدن به باطل ندارد و پرداخت وجه برای رسیدن به حق، نیز رشوه شمرده می‌شود.

### نتیجه:

با توجه به تعریف ارائه شده، علی‌رغم نظر برخی از فقها، می‌توان به جای تعاریف متعدد، تعریف واحدی را برای «رشوه» در نظر گرفت. تعریف فوق ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که رشوه از نظر متعلق و جنس پرداختی، منحصر به امور مالی نبوده و هر نوع امتیازی را که رشوه‌دهنده برای رسیدن به هدفش در اختیار رشوه‌گیرنده قرار دهد شامل می‌شود. به ویژه در عصر حاضر که رشوه مصادیق و نمونه‌های فراوانی پیدا کرده، نظریه عمومیت داشتن متعلق رشوه بیشتر مورد پذیرش



است. همچنین رشوه به لحاظ موضوع منحصر به قضاوت و حکم نیست، چون رشوه در متون و منابع دینی تعریف نشده و برای تبیین آن باید به عرف و نظر لغت‌شناسان مراجعه گردد، متفاهم و نتیجه مراجعه به عرف و دیدگاه کارشناسان، عدم اختصاص رشوه به باب قضاوت و حکم است؛ یعنی هر چیزی که به شخصی، اعم از قاضی و مأموران دولتی داده شود تا او را برای تزیین حقوق دیگری یاری دهند، رشوه محسوب می‌شود. مانند آنچه به زمامدار، فرماندار، بخشدار، کارمند و موظفین خدمات عمومی، به قصد تزیین حقوق دیگران داده شود، همه از موارد و مصادیق رشوه به شمار می‌رود.

### منابع و مأخذ:

- آشتیانی، میرزا محمد حسن (۱۴۲۵)، کتاب القضا، قم: زهیر.
- ابن اثیر، مجدالدین (۱۴۲۲)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن ادریس حلی (۱۴۱۰)، محمد بن منصور، السرائر، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۲۴)، المغنی علی مختصر الخرقی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۲)، کتاب المکاسب، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- باطنی، محمد علی و دیگران (۱۳۸۷)، فرهنگ معاصر پویا، تهران: موسسه فرهنگ معاصر.
- بستانی، بطرس معلم (۱۹۹۲)، محیط المحيط، بیروت: مکتبه لبنان.
- توحیدی، محمد علی (۱۴۱۲)، مصباح الفقاهة، بیروت: دار الهادی.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۱۹)، الصحاح اللغة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد (۱۳۸۳)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تهران: اسلامیة.





- حسینی عاملی، سید محمد جواد (بی تا)، مفتاح الكرامه، بیروت: لبنان.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام الی مسائل الحلال و الحرام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلّی، نجم الدین (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام الی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، تهران: استقلال.
- حنبلی، احمد (۱۴۱۴)، المسند، بیروت: دار الفکر.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق.
- دادوئی، حمید رضا (۱۳۸۴)، رشوه و احکام آن در فقه، قم: بوستان کتاب.
- رضا، احمد (۱۳۷۷)، معجم المتن اللغه، بیروت: دارالاحیاء.
- روحانی حسینی، سید محمد صادق (۱۴۱۳)، فقه الصادق، قم: دارالکتب.
- زبیدی، سید محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، جارالله (۱۳۸۵)، اساس البلاغه، بیروت: دارالصادر.
- سامی، شمس الدین (۱۳۱۷)، قاموس ترکی، استانبول احمد جودت.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸)، نظام القضا و الشهادة، قم: موسسه امام صادق (ع).
- سنگلجی، محمد (۲۶۳۶)، قضا در اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالمعرفه.
- شرتونی، سعید (۱۴۱۶)، اقرب الموارد، تهران: دار الاسوه.
- شریف، باقر، ترجمه عباس علی سلطانی (۱۳۶۸)، نظام حکومتی در اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شیرازی، سید عبدالله (۱۳۹۲)، کتاب القضا، النجف: النعمان.
- صابونی، محمد علی (۱۳۹۶)، صفوة التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
- صدوق، محمد بن علی ابن باویه قمی (۱۴۱۶)، معانی الاخبار، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- صفی پور، عبدالرحمن (بی تا)، منتهی الارب، [بی جا]: کتابخانه نسایی.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۱۹)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة، مشهد: آل البيت (ع).



- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۴۲۰)، عروة الوثقی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۵۱)، المیسوط فی فقه الامامیه، تهران: مکتبه المرتضویه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، ج ۴، تهران: دارا الکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، الخلاف، تهران: تابان.
- عاملی جبعی، زین‌الدین (۱۴۱۰)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۳)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: گنج‌عرفان.
- عاملی، محمد (۱۴۱۸)، الدروس الشرعیة، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- فاضل هندی، محمدبن حسن (۱۴۲۴)، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- فیروز آبادی، مجدالدین (۱۴۱۶)، قاموس المحيط، بیروت: موسسه الرسالة.
- فیض کاشانی، محمدبن حسن (۱۴۱۹)، تفسیر صافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشف الغطاء، جعربن حمزه (۱۴۲۰)، شرح القواعد، ج ۴، نجف: موسسه کاشف الغطاء.
- کرطانی، مجید صالح ابراهیم (۱۴۲۹)، الرشوة و احکامها فی الفقه الاسلامی، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات الاسلامیه.
- گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۰۱)، کتاب القضاء، تقریر سید علی حسینی میلانی، قم: خیام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: الوفا.
- محقق کرکی، علی (۱۹۸۱)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۲)، قضا و قضاوت در اسلام، تهران: المهدی.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران: زرین.

- مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۱۷)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مقدسی، عبدالله (۱۴۰۸)، الکافی فی الفقه، بیروت: مکتبه الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۲۳)، دراسات فی مکاسب المحرمه، قم: سراپی.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۱)، فقه القضاء، ج ۲، قم: موسسه النشر لجامعه المفید.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، قم: موسسه آثار الامام خویی
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی،
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱)، جواهر الکلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- نجم آبادی، میرزا ابوالفضل (۱۴۲۱)، کتاب القضاء، قم: موسسه معارف اسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵)، مستند الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث،
- هندی، علاء الدین (۱۴۱۳)، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی